



University of Tehran Press

Analysis of Types and Functions of Temporary Law

Khadijeh Shojaeian 

Department of Public Law, Sh.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: shojaeian1398@iau.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	In principle, laws should reflect their society and be able to regulate social behavior in accordance with new changes and developments, and be approved based on complete information and in a consultative and informed process; However, studies show that reflecting the current society has become a growing challenge due to its social and technological acceleration, and legislators are unable to fully coordinate with these developments; therefore, one of their solutions to solve these challenges has been temporary legislation. Temporary legislation is used to solve temporary problems, manage emergency situations and highly controversial issues and in innovative areas. This type of legislation includes two tools for determining a specific time (sunset clauses) for the expiration of the law and the experimental enactment of the law. Accordingly, a clause is included in the law for the termination time of the whole law or part of it. Experimental legislation indicates a trial and error approach in social affairs and dynamic learning from its results. Despite its desirable functions, temporary laws have been criticized and are not approved systematically in different systems, but only in specific cases and based on justified reasons. The article analyzes the different aspects of the temporary law using an descriptive and analytical method.
Pages: 1-24	
Received: 2025/06/08 Received in Revised form: 2025/07/14 Accepted: 2025/08/04 Published online: -----	
Keywords: Temporary Law, Experimental Law, Sunset Law, Evaluation, Effectiveness.	
How To Cite	
DOI	Shojaeian, Khadijeh (2026). Analysis of Types and Functions of Temporary Law. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-24. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2025.396980.3772
Publisher	10.22059/jplsqt.2025.396980.3772 The University of Tehran Press.





واکاوی انواع و کارکردهای قانون موقت

خدیجه شجاعیان ✉

گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. رایانامه: shojaeian1398@iaut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۲۴-۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳ تاریخ انتشار برخط: ----- کلیدواژه‌ها: قانون موقت، قانون آزمایشی، قانون خاتمه‌دار، ارزیابی، اثربخشی.	اصولاً قوانین باید جامعه خود را منعکس کنند و قادر به تنظیم رفتار اجتماعی متناسب با تغییر و تحولات جدید باشند، و براساس اطلاعات کامل، در یک فرایند مشورتی و آگاهانه تصویب شوند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهند که انعکاس جامعه کنونی به دلیل شتاب اجتماعی و تکنولوژیکی آن به چالشی فزاینده تبدیل شده است و قانونگذاران قادر به هماهنگی کامل با این تحولات نیستند؛ بنابراین یکی از راهکارهای آن‌ها برای حل این چالش‌ها، تقنین موقت بوده است. قانونگذاری موقت برای حل مشکلات موقت، مدیریت شرایط اضطراری و موضوعات به شدت اختلافی، در حوزه‌های نوآورانه استفاده می‌شود. این نوع قانونگذاری شامل دو ابزار تعیین زمان مشخص (بندهای غروب) برای انقضای قانون و تصویب آزمایشی قانون است. بر این اساس، در قانون بندی برای زمان خاتمه کل قانون یا بخشی از آن گنجانده می‌شود. تقنین آزمایشی حاکی از رویکرد آزمون و خطا در امور جامعه و یادگیری پویا از نتایج آن است. قانون موقت با وجود کارکردهای مطلوب، مورد نقدهایی قرار گرفته است و در نظام‌های مختلف، نه به‌طور سیستماتیک، بلکه فقط در موارد خاص و براساس علل موجه تصویب می‌شود. مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی زوایای مختلف قانون موقت می‌پردازد.
استناد	شجاعیان، خدیجه (۱۴۰۴). واکاوی انواع و کارکردهای قانون موقت. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، --، (--)، ۱-۲۴. DOI: https://doi.org/10.22059/jplsqt.2025.396980.3772
DOI	10.22059/jplsqt.2025.396980.3772
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

قانون باید آیینۀ تکامل جامعه باشد. در سال ۱۷۸۹، توماس جفرسون در نامه‌ای به جیمز مدیسون اظهار داشت «هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند یک قانون اساسی دائمی یا حتی یک قانون عادی دائمی ایجاد کند. زمین همیشه متعلق به نسل زنده است. [بنابراین] هر قانونی به‌طور طبیعی در پایان سی و چهار سال منقضی می‌شود.» (Jefferson, 1789). جفرسون انقضای قانون را وسیله‌ای برای هم‌سو کردن قانون انسان با قانون طبیعت تصور می‌کرد (Kysar, 2006: 350).

اکثر کشورها در دهه‌های گذشته با چالش‌هایی پیرامون قانون و مقررات مواجه بوده‌اند. قانونگذاران و مقررات‌گذاران موظف هستند باهوش‌تر باشند، قوانین ساده‌تر وضع کنند، قوانین و مقررات بد را به حداقل برسانند، بدون خفه کردن نوآوری، مقررات‌گذاری کنند، و هزینه‌ها یا بارهای غیرضروری را برای بخش خصوصی کاهش دهند. غلبه بر این چالش‌ها به دلیل فراوانی قوانین و مقررات غیرضروری و منسوخ، کیفیت پایین و ماهیت متناقض آن‌ها، ریسک‌گریزی، و اطلاعات کم قانونگذاران دشوار است. این چالش‌ها حاکی از اهمیت ارتباط بین تکامل جامعه، و تصویب و اجرای قوانین است. در زمان تغییر، باید به دنبال ابزارهای قانونگذاری پویا بود. جست‌وجوی چنین ابزارهایی ابتدا مستلزم درک چالش‌های اطلاعاتی اصلی جامعه مدرن و تکامل آن، و سپس تحلیل ابزار قانونی ارزشمندی است که می‌تواند پاسخی مناسب به این شرایط ارائه دهد. یکی از مدل‌های قانونگذاری در نظام‌های حقوقی مختلف برای حل چالش‌ها، تقنین موقت است. برخلاف فرض اولیه که قانون باید باثبات و دائمی باشد، قانونگذاران بنا به دلایلی، گاهی برای اعتبار قوانین و مقررات زمان تعیین می‌کنند. قانون موقت در دو قالب قانون آزمایشی و قانون خاتمه‌دار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دو نوع قانونگذاری با وجود شباهت، از نظر هدف اصلی تفاوت دارند.

مقاله با روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. پرسش‌هایی که این مقاله درصدد پاسخگویی به آن‌هاست، عبارتند از: قانون موقت چه کارکردهایی دارد؟ و در چه حوزه‌هایی قابل اعمال است؟ با هدف پاسخگویی به این پرسش‌ها، مقاله ابتدا به مفهوم قانون موقت و تفاوت آن با قانون دائمی می‌پردازد. سپس انواع قانون موقت را مورد بررسی قرار داده و به کارکردها و حوزه‌های موضوعی اعمال هریک از این قالب‌ها می‌پردازد. در نهایت نقدهای وارد بر آن، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم

در دنیای ایده‌آل، قوانین انعکاس جامعه هستند؛ یعنی: مبتنی بر اطلاعات کامل هستند، رفتار اجتماعی و جهش‌های سریع آن را تنظیم و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان خود را منعکس می‌کنند. این قوانین کامل زاینده یک فرایند آگاهانه، مشورتی و کارآمدند؛ به عبارت دیگر، قوانین تنها زمانی تصویب

می‌شوند که اطلاعات کافی و مرتبط جمع‌آوری شوند، تبادل کامل دیدگاه‌ها و دلایل بین قانونگذاران انجام بگیرد و پیشنهادات موجود بررسی شوند. قوانین نتیجه فرایند تصمیم‌گیری غیرقابل نفوذ در برابر موانع سیاسی و لابی‌گری هستند، عمری با اجرای مؤثر و کارآمد دارند و زمانی که دیگر ضروری نباشند منقضی می‌شوند؛ اما متأسفانه در دنیای واقعی، قوانین در زمان لازم منقضی نمی‌شوند. همچنین انعکاس جامعه کنونی به دلیل شتاب اجتماعی و تکنولوژیکی آن به چالشی فزاینده تبدیل شده است و سرعت واقعیت با قانونگذاران آهسته، مقاومت آن‌ها در برابر تغییرات قانون، قوانین منسوخ، بار اداری بیش از حد و درک حاکمیت قانون به عنوان حاکمیت قواعد دائمی هماهنگ نیست (Ranchordás, 2014: 3-4). در شرایط معاصر، قانون به ندرت می‌تواند راه‌حل‌های قطعی برای محیط‌ها، موقعیت‌ها و جوامع به سرعت در حال تغییر، ارائه دهد. واقعیت آشکارا، فرض طولانی‌مدت راه‌حل‌های تقنینی را به چالش می‌کشد، به‌ویژه زمانی که شرایط اضطراری یا پدیده‌های اجتماعی جدید مطرح می‌شوند (Molloy et al., 2022: 6). توسعه پویای کنونی روابط اجتماعی، در هر دو سطح جهانی و ملی، مستلزم بازنگری در معیارهای زمانی مسائل حقوقی است. یکی از مقوله‌های حقوقی بسیار مهم، اقدام به موقع اعمال حقوقی است. اصولاً قانون به طور عام، و اعمال حقوقی به طور خاص، از نظر زمانی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند؛ تغییر روابط اجتماعی و توسعه آن‌ها مستلزم تغییر در مقررات قانونی است (Shulima, 2021: 112). قانونگذاری موقت به قوانینی اطلاق می‌شود که در مدت زمان معینی فعال هستند و پس از آن در صورت تمدید نشدن، منقضی می‌شوند. راه‌های متفاوتی برای تقنین موقت وجود دارد؛ مثلاً محدود کردن اعمال آن‌ها به رویدادها، اقدامات یا شرایط خاصی که در یک دوره زمانی مشخص رخ می‌دهند (Bar-Siman-Tov, 2018: 4). قانونگذاری موقت در مقابل قانون معمولی یا دائمی قرار می‌گیرد، زیرا یکی از ویژگی‌های سنتی قانونگذاری این است که عموماً برای مدت نامحدودی تصویب می‌شود و تا زمان نسخ توسط قوانین بعدی، به قوت خود باقی می‌ماند. از این رو، یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قانونگذاری موقت این است که قواعد پیش‌فرض برای ادامه سیاست را نقض می‌کند؛ قاعده پیش‌فرض سنتی قانونگذاری این است که اعتبار قانون تا ابد ادامه دارد، قاعده پیش‌فرض قانونگذاری موقت این است که اعتبار قانونی در زمان مشخص پایان می‌یابد (Bar-Siman-Tov, 2018: 4). برخلاف قانون دائمی، قانون موقت نیازی به اقدام قانونی اضافی برای لغو ندارد (Fagan, 2013: 210).

۳. انواع قانون موقت

قانون موقت یک اصطلاح گسترده است که برای اشاره به اشکال مختلف قوانین و مقررات موقت، مانند قانون آثار موقت، قانون اضطراری، بندهای خاتمه و قوانین آزمایشی استفاده می‌شود.

۱.۳. قانون خاتمه‌دار

بندهای خاتمه یا غروب^۱ مقرراتی هستند که انقضای یک قانون یا مقررات را در مدت زمان مشخص شده از قبل تعیین می‌کنند (Ranchordás, 2014: 8). منشأ دقیق بندهای خاتمه مورد بحث است. برخی ریشه‌های آن را حقوق روم می‌دانند؛ در جمهوری روم، قدرت سنا برای جمع‌آوری مالیات‌های ویژه و بسیج نیروها از نظر زمان محدود بود (Molly, 2021: 159). برخی آن را به زمان افلاطون می‌رسانند (Molloy et al., 2022: 7).

در قوانین مدرن، این مقررات اغلب به‌عنوان بندهای غروب آفتاب یا خاتمه نامیده می‌شوند، اما قبل از آن به‌عنوان بندهای مدت شناخته می‌شدند (Gersen, 2007: 247). بندهای خاتمه یک تاریخ انقضا را در قانون یا مجموعه‌ای از مقررات خاص تعیین می‌کنند، و انقضا یا به صورت خودکار یا منوط به مجوز مثبت یا منفی قانونگذار است (Molloy et al., 2022: 5). بند خاتمه پارلمان را میان تصویب قانون جدید (به‌طور کامل یا جزئی)، اصلاح مقررات یا اجازه نسخ آن‌ها مخیر می‌کند. در بسیاری از موارد، تصریح می‌کند که ارزیابی توسط یک نهاد پارلمانی یا مستقل انجام شود (McGarrrity, 2013: 307). بندهای خاتمه زیرمجموعه‌ای از مقررات انقضا هستند. بنابراین، اثر قانون در زمان معین متوقف می‌شود، مگر اینکه مجدداً مجوز داده شود. بندهای خاتمه زمانی در قانون گنجانده می‌شوند، که به نظر برسد پارلمان باید پس از یک دوره معین مجدداً در مورد شایستگی آن تصمیم‌گیری کند. پس، دو پیام نظارتی دارند: اول، پایان عمر قانون در زمان معین، و دوم، مشروط بودن حیات مجدد آن به تصمیم پارلمان، که بر اساس بررسی‌های پس از تصویب اتخاذ می‌شود (Xanthaki, 2020: 3). در ادبیات اخیر، بندهای خاتمه به‌عنوان ابزاری برای تصویب قانون اساسی به‌صورت موقت و فرصت‌های بیشتر برای مشورت عمومی، یا به‌عنوان ابزاری برای اصلاحات نهادی در ترتیبات تقسیم قدرت پس از جنگ، یا به‌عنوان مکانیزم انتقال منظم و حمایت از مصرف‌کننده، و یا حتی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تهدید استقلال سازمان‌ها ذکر شده است (Xanthaki, 2020: 3-4). غروب آفتاب را می‌توان به‌عنوان روشی قانونی برای وادار کردن قانونگذاران به تصمیم‌گیری دوره‌ای در خصوص اجازه تداوم یک برنامه یا فعالیت یک دستگاه اداری خاص تعریف کرد و می‌تواند برای کل مقررات یک قانون، صرف‌نظر از موضوع آن اعمال شوند (Ranchordás, 2014: 32).

۱.۱.۳. انواع بندهای خاتمه

بندهای خاتمه ممکن است ساده یا مشروط باشند. یک بند ساده خاتمه، قانون را پس از دوره زمانی معین منقضی می‌کند؛ اما طبق بند مشروط، قوانین به‌طور خودکار منقضی می‌شوند، مگر اینکه یک شرط

1. Sunset clause

از پیش تعیین شده، محقق شود. قانونگذاران ممکن است تمایل به ارزیابی آثار قانون جدید داشته باشند و با توجه به نتیجه ارزیابی قانون را منقضی یا تمدید کنند. ربکا کیسار^۱ آن را قانون محرک^۲ می‌نامد، قوانینی که قانونگذاران یا سازمان‌های اداری آینده را ملزم به عمل می‌کنند (Underhill, 2020: 112). غروب مشروط ممکن است سازش سیاسی را در مورد اثربخشی یک قانون ترویج کند تا از دوره غروب آفتاب به عنوان نوعی آزمایش استفاده کند. در غروب مشروط، چنانچه نتیجه ارزیابی دال بر مؤثر بودن قانون نباشد، قانون منقضی می‌شود؛ اما اگر مؤثر باشد، قانون به قوت خود باقی خواهد ماند. بنابراین فرمول، تحقق شرط تمدید، پیش فرض را تغییر می‌دهد، به طوری که قانون به عنوان یک امر اجباری با قوت ادامه می‌دهد؛ به تعبیر کیسار، به قانون پویا^۳ تبدیل و به طور خودکار با شرایط سازگار می‌شود (Underhill, 2020: 113).

بندهای خاتمه می‌توانند بازتابی یا غیربازتابی، خاص یا عام باشند. زمانی بازتابی^۴ هستند که در قانونی که قرار است منقضی شوند، درج شود؛ یا غیرانعکاسی، در صورتی که بندها خارج از قانونی که بر آن اعمال می‌شود قرار گرفته باشند. بندهای انعکاسی رایج‌ترین شکل‌های بند خاتمه هستند. بندهای غروب را می‌توان در قوانین خاص گنجانده و یا آن را برای گروه وسیع‌تری از قوانین یا حتی کلیات مقررات به کار گرفت. در آلمان، بسیاری از لندرها مقررات خاتمه را برای محدودیت زمانی کلی قوانین خود اعمال می‌کنند؛ اما دولت فدرال فقط بندهای غروب را به صورت ویژه و برای قوانین معین وضع کرده است (Ranchordás, 2014: 34-35).

بندها یا مقررات خاتمه به قانونگذاران اجازه می‌دهند تا چرخه حیات مقررات را با سایر چارچوب‌های زمانی هماهنگ کنند و قوانینی را که به دلیل تکامل فناوری یا اجتماعی تأییدشده، منسوخ شده‌اند، حذف کنند. از آنجایی که بند خاتمه برای منقضی شدن طراحی شده است، بار اثبات ضرورت تداوم آن بر عهده بازیگرانی است که خواستار تمدید هستند (Ranchordás, 2015: 217-218).

۲.۱.۳. نتایج فرایند ارزیابی و نظارت

بندهای خاتمه معمولاً در ترکیب با بندهای نظارت^۵، بررسی^۶ و ارزیابی^۷ اعمال می‌شوند. نظارت بر فرایند پیگیری اجرای قانون و جمع‌آوری سیستماتیک داده‌های مربوط به اجرا، متمرکز است. بازنگری امکان ارزیابی عملکرد قوانین یا مقررات خاص را فراهم می‌کند، اما ارزیابی چشم‌انداز وسیع‌تری دارد و مصوبه را

1. Rebecca Kysar
2. Prompting Legislation
3. Dynamic Legislation
4. Reflexive
5. Monitoring
6. Review
7. Evaluation

به طور جامع در رابطه با اهداف سیاسی آن ارزیابی می کند. بندهای نظارت، بررسی و ارزیابی از نظر دامنه، زمان بندی و تمرکز متفاوت هستند. نظارت فرایند جمع آوری داده ها را در اجرا تسهیل می کند، درحالی که بندهای بررسی و ارزیابی بر عملکرد یا نتایج عمل تمرکز می کنند. آن ها امکان تولید داده ها و گزارش های اجرایی و انجام یک بررسی اساسی پس از قانونگذاری در قوه مجریه و مقننه، یا نهادهای دیگر را فراهم می کنند. ترکیب بندهای بررسی و خاتمه یک سیستم هشدار زود هنگام در برابر ناکارآمدی و آثار نامطلوب احتمالی قوانین ایجاد می کند و به قانونگذاران اجازه می دهد تا مسائلی را که در زمان تصویب قانون در مورد آن ها شواهد کافی در دسترس نبوده، دوباره بررسی کنند (Molloy et al., 2022: 9).

ارزیابی به معنی تحلیل و سنجش روشمند و سیستماتیک تأثیرات قانون است. سه عنصر دارد: اول، ارزیابی باید بر قانونگذاری و به طور ضمنی بر تصمیمات اداری مبتنی بر آن ها، انجام شود. دوم، ارزیابی به روابط علیت میان اعمال قانونی و واقعیت اجتماعی، یعنی آثار، مربوط است. حد و نتایج تغییرات در نگرش، رفتار، و شرايطی را بررسی می کند که به صورت بالقوه یا بالفعل ناشی از مصوبه قانونی هستند (Mader, 2001: 123). آثار هدف اصلی قانون هستند و می توان آن ها را با معیارهای مختلف بررسی کرد. رایج ترین معیارهای ارزیابی عبارتند از: اثربخشی، کارایی و به صرفه بودن؛ اثربخشی حد مطابقت نگرش ها و رفتارهای گروه های هدف (افراد، مؤسسات، و مقامات عمومی مسئول اجرای قانون) با مدل هنجاری یعنی رفتارها و نگرش های توصیف شده توسط قانونگذار است. کارایی حد محقق ساختن هدف از طریق مصوبه قانونی است. اهداف لزوماً نباید به صراحت در خود قانون ذکر شوند؛ ممکن است در یک گزارش منضم به پیشنهاد قانونی بیان، و یا در طول بحث پارلمانی تدوین شوند. اگر تعریف موجهی از اهداف صورت نگیرد، ارزیابان باید خودشان اهداف قانون مورد ارزیابی را تعیین کنند. به صرفه بودن رابطه بین هزینه ها و منافع یک قانون است. هزینه ها و منافع در این زمینه در معنای بسیار موسع به کار می روند؛ هم پیامدهای مالی مستقیم اجرا و تبعیت از هنجارهای قانونی و هم عوامل غیرمادی از قبیل مشکلات روانی، هیجانی و حتی آثار منفی قانون را دربرمی گیرد. همه آثاری که با اهداف قانون سازگارند یا تحقق اهداف را افزایش می دهند، به عنوان منافع تلقی می شوند. بنابراین ارزیابی به صرفه بودن یک قانون، به معنی بررسی هزینه ها و حد تحقق اهداف قانون مورد نظر است. سنجش هزینه ها و منافع در ابتدا، از دیدگاه قانونگذار و بخش عمومی انجام می شود (Mader, 2001: 125-127). هدف از بررسی ارائه یک فرایند داخلی برای ارزیابی اثربخشی یک قانون است. اثربخشی یعنی منافع عمومی به شیوه ای اداری، کارآمد، و مقرون به صرفه تأمین می شود. بر اساس تئوری دولت خوب، فرایند خاتمه به قانونگذار اجازه می دهد تا قوانینی را که دیگر مفید نیستند، حذف و تغییراتی را در قوانینی که هنوز در خدمت منافع عمومی هستند، اما ناکارآمد شده اند، ایجاد کند (Baugus & Bose, 2015: 9).

سازکارهای ارزیابی برای قانون گذاری خوب ضرورت دارد. این مکانیسم ها ابزار اصلی برای امکان

یادگیری سیاست و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و مبتنی بر شواهد در مورد تمدید قوانین موقت یا جایگزینی آن با قوانین دائمی هستند. از این رو، همه قوانین موقتی که به منظور تنظیم یک رویداد واحد وضع نشده‌اند، باید دارای ارزیابی باشند. ارزیابی مناسب باید اهداف مصوبه قانونی، داده‌هایی که باید جمع‌آوری شوند و معیارها و روش‌هایی را که باید برای ارزیابی اینکه آیا قانون به اهداف خود دست یافته است، مشخص کند و مسئولیت‌های جمع‌آوری داده‌ها و ارزیابی نتایج را مشخص کند (Bar-Siman-Tov, 2018: 10). الزام انجام ارزیابی نیازی به ذکر صریح در قانون ندارد، بلکه باید به عنوان یک عنصر ذاتی قانونگذاری موقت درک شود. ارزیابی ممکن است چند ماه قبل از انقضا انجام شود. ارزیابی‌های دوره‌ای نیز قابل اعمال هستند (Ranchordás, 2014: 34).

در نهایت نتایج فرایند ارزیابی و نظارت عبارتند از:

۱. تمدید بدون تغییر: فرایند بررسی ممکن است نشان دهد که قانون مطابق انتظار عمل می‌کند و ارزشمند است. ناظران توصیه خواهند کرد که تاریخ خاتمه تمدید شود و قوانین اجرایی، الزامات گزارش‌دهی، مکانیسم تأمین مالی و غیره، به حال خود باقی بماند. وضعیت موجود حفظ می‌شود.
۲. تمدید تغییر: یکی دیگر از نتایج احتمالی این است که قانون با تغییراتی تمدید شود.
۳. خاتمه: زمانی که یک قانون دیگر مفید نباشد یا اصلاً به اهداف مورد نظر خود نرسیده باشد، قانونگذار اجازه خاتمه آن را می‌دهد (Baugus & Bose, 2015: 6).

۲.۳. قانون آزمایشی

قانون آزمایشی بر این ایده استوار است که قانونگذاری باید به یک فرایند یادگیری پویا تبدیل شود (Ranchordás, 2015: 217). قانون آزمایشی شامل مقررات جدید در یک قلمروی محدود است و با عدول از قوانین موجود یا مستثنی کردن تعدادی از الزامات قانونی موجود، برای آزمایش رویکردهای قانونی جدید یا تنظیم محصولات یا خدمات جدید برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در مورد آن‌ها طراحی شده است. قانون آزمایشی اغلب ابتدا در مقیاس کوچک در یک منطقه یا گروه اجرا می‌شود. نتایج اجرای قانون در معرض ارزیابی دوره‌ای یا نهایی قرار می‌گیرد و در آنجا با نتایج به دست آمده در مناطق دیگر، که قانون دیگری در آنجا اجرا شده است، مقایسه می‌شود. پس از ارزیابی، اگر مصوبه آزمایش شده نشان‌دهنده نتایج مثبت باشد، می‌تواند به یک مصوبه دائمی تبدیل شود (Ranchordás, 2015: 206). این نوع قانون با یک هدف پیشینی خاص تصویب می‌شود و از دیدگاه روش‌شناختی، مستلزم ارزیابی پسینی است. پس قانون آزمایشی نوعی قانون است که باید محدود به زمان باشد، به وضوح هدفش را بیان، و معیار مورد استفاده برای ارزیابی و همچنین اطلاعات لازم، مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات و

ارزیابی نتایج و مانند آن را تعیین کند (Mader, 2001: 125). قوانین آزمایشی به قانونگذاران اجازه می‌دهد تا به تدریج اطلاعات بیشتری را جمع‌آوری کنند. قوانین را به سایر بخش‌های قلمروی مورد نظر تعمیم داده و قوانین موجود را بر اساس شواهدی مبنی بر تأثیر یا عدم تأثیر، تطبیق دهد و بهبود بخشد (Ranchordás, 2014: 8).

قانون آزمایشی در اروپا سنت طولانی دارد. اولین نشانه‌های قانونگذاری آزمایشی در فرانسه به پادشاهی لویی شانزدهم باز می‌گردد و به نظر می‌رسد که انگیزه آن میل به بهبود کارایی اداره کشور بوده است. به گفته جونز اقتصاددان و منطق‌دان انگلیسی در دهه ۱۸۸۰، قانونگذاری آزمایشی همان روش رشد اجتماعی است. از نظر او روش آزمایشی، که قبلاً با موفقیت در علوم طبیعی استفاده می‌شد، در قانون قابل اجرا است؛ قانونگذاران باید در تصویب هر قانون جدید گام‌های کوچکی بردارند، آن را در معرض آزمون واقعیت قرار دهند و با ویژگی‌های محلی تطبیق دهند و آثار آن را هم از نظر تجربی و هم از نظر آماری ارزیابی کنند. ایده آزمایش قوانین در قرون بیستم و بیست‌ویکم توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. جان دیویی^۲ از محققان قرن بیستم، طرفدار استفاده از رویکرد آزمایشی بود. دیویی از روش حل مسئله عمل‌گرایانه و تجربی برای رفع مشکلات مختلف حمایت می‌کرد. دیویی معتقد بود که احکام قانونی، مانند هر سیاست اجتماعی باید تابع منطق آزمایشی و انعطاف‌پذیرتر باشد که در آن قواعد و اصول باید به عنوان فرضیه‌های عملی تلقی شوند. قانون باید دائماً آزمایش شود. وی بر نیاز به باز نگه داشتن مقدمات و نتیجه‌گیری‌ها، آزمایش، و بازبینی مدام آن‌ها اصرار داشت. دیویی دولت و مقررات را واقعیت‌های پویایی می‌دانست که باید مانند شرایط اجتماعی تکامل یابند و چنین تکاملی را می‌توان با آزمایش مداوم اجرا کرد. دیویی یک فرایند مداوم یادگیری همراه با سیستم دوره‌ای برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و برنامه‌ریزی سیاست‌های جایگزین را در ذهن داشت. می‌توان در عمل‌گرایی دیویی ترجمه‌ای از نظریه تکامل به فرایند قانونگذاری را دید. سیاست‌ها و قوانین خطاپذیر فرض می‌شوند و بنابراین باید به طور سیستماتیک آزمایش و تصحیح شوند (Ranchordás, 2014: 25-26).

ظهور مجدد رویکرد آزمایشی به قانونگذاری در قرن بیستم به همان اندازه مرهون قاضی برندایس^۳ و استعاره «دولت‌ها به مثابه آزمایشگاه‌ها» است. وی معتقد بود که یک ایالت، در صورت انتخاب شهروندان، می‌تواند به عنوان آزمایشگاه عمل کند و آزمایش‌های اجتماعی و اقتصادی جدیدی را بدون بروز خطر، برای بقیه کشور انجام دهد. او معتقد بود که قانون باید توسط حقایق اجتماعی، تجربه، و آمار

1. William Stanley Jevons

2. John Dewey

3. Brandeis

پشتیبانی شود. در آلمان دهه ۱۹۵۰، بوتل^۱ ایده علم-دولت^۲ را مطرح کرد، که در آن خطمشی‌ها براساس روش علمی وضع و آزمایش می‌شوند، و مطابق با نتایج مشاهده‌شده بهبود می‌یابند. آزمایش‌های حقوقی به‌ویژه برای زمینه‌هایی که با تغییرات فنی و اجتماعی مکرر مشخص می‌شوند، مانند ترافیک جاده‌ای و سیاست‌های آموزشی مناسب هستند. آزمایش حقوقی راهی برای اجرای اصلاحات اجتماعی نوآورانه است. نظریه علم-دولت او به عینیت‌سازی رویکرد یادگیری اشاره می‌کند (Ranchordás, 2014: 26-28). بر اساس ادبیات آلمانی، قانونگذاران نیز مانند دانشمندان از جمله حل‌کننده‌های مشکل هستند، که به دنبال درک مسئله‌ای هستند و سعی می‌کنند مؤثرترین و کارآمدترین راه‌حل را در محدوده‌های قانون بیابند. هنگام برخورد با موقعیت‌های بدیع و پیچیده، این مشکل‌گشاها همه‌چیز را نمی‌دانند. درحالی‌که دانشمندان از طریق آزمون و خطا به جستجوی شواهد می‌پردازند، قانونگذاران اغلب سعی می‌کنند لوايح خود را از طریق ادعای بدون پشتوانه^۳ یا بر اساس نظرات مرموز، بدون اتکا به واقعیت‌ها و معیار «دلیل بر اساس تجربه» توجیه کنند. قانونگذاران باید جهل خود را بپذیرند و با استفاده از روش‌های حل مسئله و ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات جدید به دنبال حقایق و شواهد باشند، تا تأثیرات قوانین جدید را پیش‌بینی کنند. پیش‌بینی‌سازی برای تصویب قانون، تعیین‌کننده و مستلزم پیش‌بینی مؤثرترین رویکرد و قواعد برای یک مشکل اجتماعی است. این پیش‌بینی‌ها اغلب مرتبط‌ترین اطلاعات را تشکیل می‌دهند که باید قبل از اتخاذ تصمیم‌های کلیدی در مورد لوايح جدید جمع‌آوری شوند. جمع‌آوری اطلاعات کافی نیست، و پایش و نظارت دوره‌ای برای اطمینان از درس گرفتن قانونگذاران از اجرای قوانین جدید ضروری است. رابرت سیدمن^۴ بیان کرد که هر مداخله اجتماعی، از جمله قانون، لزوماً داده‌های جدیدی تولید می‌کند و هر کدام یک آزمایش را تشکیل می‌دهند. همه قوانین باید حاوی مقرراتی باشند تا ارزیابی دوره‌ای از عملکرد آن محتمل باشد. ارزیابی‌های قبلی و ارزیابی تأثیر به‌طور بالقوه می‌تواند بخشی از اطلاعات مورد نیاز را ارائه دهد. آزمایش قواعد جدید با یک نمونه کوچک، قانونگذاران را قادر می‌سازد تا برای دوره‌های فعلی یا آینده پیش‌بینی کنند. اطلاعات جمع‌آوری‌شده از طریق مقررات آزمایشی می‌تواند برای کمک به قانونگذاران در فرایند یادگیری درباره تأثیرات یک رژیم قانونی جدید، یا سیاست نوآوری‌محور استفاده شود (Ranchordás, 2014: 5-7).

سه مشخصه اصلی قانون آزمایشی عبارتند از: (۱) هدف وضع آن موقت است؛ قانون آزمایشی به منظور تولید داده‌ها قبل از انقضای قانون تصویب می‌شود؛ درحالی‌که نوع دیگر قوانین موقت برای مقاصد دیگر از

1. F.K. Beutel

2. Science-State

3. Ipse dixit

4. Robert Seidman

قبیل پاسخ به موارد اضطراری یا برخی از مشکلات موقتی وضع می‌شوند. ۲) ارزیابی یکی از ویژگی‌های اساسی هر قانون آزمایشی است؛ ایده اصلی قوانین آزمایشی این است که رژیم حقوقی جدید را امتحان کنید، ببینید آیا کار می‌کند و از آثار مثبت و منفی مشاهده شده درس بگیرید. ۳) درحالی که سایر قوانین موقت در درجه اول، ابزاری برای خاتمه سیاست هستند و در نتیجه منقضی می‌شوند، قوانین آزمایشی اولین گام به سوی قانونگذاری دائمی هستند؛ قواعد جدید بر اساس آزمایش وضع می‌شوند، آثار آن‌ها ارزیابی می‌شود و در صورت مؤثر بودن می‌توان آن‌ها را به قوانین دائمی تبدیل کرد (Bar-Siman-Tov, 2018: 7).

البته، هر ابتکار قانونی ممکن است به یک معنی به عنوان ماهیتی آزمایشی شناخته شود و به عنوان بخشی از یک فرایند یادگیری مبتنی بر آزمون و خطا دیده شود؛ اما این مورد، معنی قانون آزمایشی نیست. به بیان مضیق، قانون آزمایشی نوعی قانون است که مشخصات خاصی دارد (Mader, 2001: 125). اولین عنصر قانون آزمایشی، موقت بودن آن است؛ قانون آزمایشی باید مدت زمان محدودی داشته باشد. بقای قانون فراتر از دوره آزمایشی باید به دستیابی به هدف اساسی آن بستگی داشته باشد. عنصر دوم، عدول از قوانین موجود (قواعد یا استانداردها) است که مستلزم رعایت دو شرط است: اول، باید مبنای قانونی وجود داشته باشد که این انحراف را مجاز کند (اصل قانونی بودن) و دوم، باید روشن باشد که چرا این استثنا از طریق آزمایش ضروری است؛ به این معنی که هدفی که باید با آزمایش به دست آید به وضوح نشان داده شود. اگر هیچ انحرافی رخ نمی‌دهد، جوهر ایده آزمایش که مقایسه نتایج به دست آمده در دو گروه است - یکی رژیم آزمایشی و دیگری وضعیت موجود - تا حد زیادی از بین می‌رود. چنین قوانینی را می‌توان قوانین موقتی معمولی دانست. عنصر سوم انجام یک ارزیابی است. ایده اولیه پشت قانون آزمایشی این است که رژیم قانونی جدید را امتحان کنید، ببینید آیا کار می‌کند یا خیر و از آثار مثبت و منفی مشاهده شده درس بگیرید. سپس از قانونگذاران خواسته می‌شود تا تصمیم بگیرند که آیا قوانین آزمایش شده را می‌توان به بقیه مردم تعمیم داد و در نتیجه به قوانین دائمی تبدیل کرد (Ranchordás, 2014: 37-38). این ابزار در تلقی قانونگذاری به عنوان یک فرایند یادگیری تکرار شونده می‌گنجد، جایی که قانونگذار جرأت می‌کند راه‌حل‌های جدید را امتحان کند، نتایج را ببیند و از آن‌ها بیاموزد. اعتراف به اینکه فضایی برای یادگیری وجود دارد و در شرایط نامشخص از جمله فقدان اطلاعات در مورد محصولات یا خدمات جدید، نمی‌توان همه آثار قوانین جدید را براساس ارزیابی‌ها یا مشاوره‌های قبلی پیش‌بینی کرد. مقررات زیست محیطی یکی از مناسب‌ترین زمینه‌ها برای آزمایش هستند؛ زیرا در حقوق محیط زیست، هر راه‌حلی موقتی به نظر می‌رسد و در معرض ارزیابی مجدد با کسب اطلاعات جدید و آزمایش راه‌حل‌های قدیمی است. مقررات‌گذاران می‌توانند با آزمایش مقررات جدید در مقیاس کوچک، اطلاعات بیشتری در مورد تأثیرات فعالیت‌های جدید بر محیط زیست جمع‌آوری کنند

(Ranchordás, 2015: 220). چهارمین ویژگی قانون آزمایشی، دامنه کاربرد محدود آن است. قوانین آزمایشی فقط برای بخشی از قلمرو یا گروهی از شهروندان به عنوان گروه نمونه، قابل اجرا هستند. این گروه باید نماینده بقیه جمعیت باشند و بر اساس معیارهای عینی برای اجرای رژیم قانونی آزمایشی انتخاب شوند. نتایج به دست آمده در اینجا با نتایج مشاهده شده در گروه کنترل، یعنی بقیه جمعیت مقایسه خواهد شد. برخلاف آزمایش های علمی، گروه نمونه همیشه به طور عینی یا تصادفی انتخاب نمی شود (Ranchordás, 2014: 38).

۴. کارکردهای قانون موقت

بندهای خاتمه و قوانین آزمایشی برای اهداف یکسان استفاده نمی شوند. بندهای خاتمه برای پایان یافتن هستند و معمولاً معطوف به مشکلات موقتی یا مسائلی هستند که به سرعت در حال تحولند؛ هدف قانون آزمایشی تداوم است و برای مشکلات طولانی مدت و بهبودهای تدریجی در محصولات و خدمات طراحی شده است. هر دو ابزار قانونگذاری می توانند برای جمع آوری اطلاعات بیشتر در مورد یک مشکل نسبتاً ناشناخته استفاده شوند (Ranchordás, 2015: 219)؛ پس قانون موقت چندمنظوره است و اهداف متعددی را دنبال می کند: اهم این کارویژه ها به شرح زیر هستند.

۱.۴. مقابله با نبود قطعیت، کمبود اطلاعات و مشکلات پیش بینی

اطلاعات رگ حیاتی قانونگذاری و نظارت است؛ اما قانونگذاران اغلب قادر به جمع آوری اطلاعات دقیق از بازیگران خصوصی در مورد خطرات و هزینه های فعالیت هایشان نیستند. تقنین بدون اطلاعات لازم، در خصوص ماهیت مشکلات، می تواند مخاطره آمیز باشد. آن ها اغلب با اطلاعات کم قانونگذاری کرده اند، اما نتیجه گیری در مورد موفقیت یا شکست مقررات بدون آزمایش علمی، خیال و گمان صرف است. آزمایش با گزینه های جایگزین و پیشنهاد فرضیه های قابل آزمایش، باید بتواند اطلاعات مفیدی تولید کند و اثربخشی قوانین را منعکس کند. این تعامل مکرر توسط بندهای خاتمه و قوانین آزمایشی انجام می شود؛ به دلیل ویژگی موقت و ارزیابی های دوره ای این ابزارها، قانونگذاران می توانند به راحتی اطلاعات به دست آمده را از طریق مشاهده تأثیرات قوانین مورد بحث، با تأیید نتایج آن ها، به کار ببرند (Ranchordás, 2014: 49). اولین کاربرد تکنوکراتیک قانون موقت، تولید اطلاعات است. در محیط های سیاسی با ویژگی عدم قطعیت، قوانین موقت معمولاً هزینه های خطای کمتری نسبت به قوانین دائمی ایجاد می کنند. قانونگذاری موقت آزمایشی تمایل دارد تا سیاست را بر مبنای کوتاه مدت به عنوان وسیله ای برای تولید اطلاعاتی که می تواند متعاقباً در فرایند سیاست گذاری گنجانده شود، اجرا

کند (Gersen, 2007: 274). هنگام تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت شدید، رویکرد بهینه آزمایش است. خود آزمایش ممکن است پرهزینه باشد، اما اطلاعاتی که در مورد تصمیم نهایی ایجاد می‌کند هزینه‌ها را توجیه می‌کند (Gubler, 2015: 9). با آزمایش سیاست احتمال دستیابی به خطمشی بهینه، افزایش و احتمال تثبیت سیاست‌های غیربهینه به صورت دائمی کاهش می‌یابد (Gubler, 2013: 7)، قوانین آزمایشی می‌توانند برای جلوگیری از تأخیر در مواردی که قانونگذاران یا مقررات‌گذاران اطلاعات کافی در مورد پدیده‌ها یا رویکردهای جدید ندارند، مورد استفاده قرار گیرند. در مواجهه با اطلاعات محدود، قوانین آزمایشی به قانونگذار اجازه می‌دهند تا با محدود کردن اعمال قوانین جدید به بخشی از جمعیت یا قلمرو، خطر اشتباه را محدود کند. این امر از اجرای گسترده قوانین ناکارآمد جلوگیری می‌کند. به طور انتزاعی، این ابزارها با نوآوری کاملاً مطابقت دارند زیرا قانونگذاری را نه تنها به یک فرایند یادگیری، بلکه به یک سیستم انعطاف‌پذیر نیز تبدیل می‌کنند (Ranchordás, 2015: 220-221).

۲.۴. ارتقای کیفیت قانونگذاری

قانونگذاری موقت به ابزاری لاینفک از مجموعه ابزارهای مقررات‌گذاری بهتر تبدیل شده است (Bar-Siman-Tov, 2018: 6). کیفیت قوانین را می‌توان براساس معیارهای حقوقی (مشروعیت دموکراتیک، تناسب، قطعیت حقوقی و شفافیت فرآیند قانون‌گذاری)، معیارهای واقعی (توانایی قانون در پاسخگویی و انطباق با شرایط واقعی زندگی و اثربخشی آن) و درنهایت کیفیت متن (روشنی، انسجام، و سادگی زبان) ارزیابی کرد. استانداردهای کیفیت قانونگذاری همچنین بیانگر آن است که قانونگذاران واقعیت اجتماعی را نه تنها با اجرای طرح‌های ارزیابی قبلی، بلکه با وضع قوانین دیگری که با توجه به تحولات اجتماعی و اقتصادی انعطاف‌پذیرتر هستند، در نظر می‌گیرند. بندهای غروب و قوانین آزمایشی به چند دلیل می‌توانند به بهبود کیفیت قوانین و مقررات کمک کنند: با عقلانی کردن فرایند قانونگذاری و پایان دادن به مقررات غیرضروری، فشار مقررات را کاهش می‌دهند. هر دو از قانونگذاران می‌خواهند که اطلاعات بیشتری در مورد اثربخشی مقررات جمع‌آوری کنند و اطلاعات مبتنی بر شواهد را در فرایند قانونگذاری در نظر بگیرند. فرایند قانونگذاری را به یک فرایند یادگیری تبدیل می‌کنند (Ranchordás, 2014: 53-55). بندهای غروب به عنوان نگهبان کیفیت قانونگذاری و نیز به عنوان ابزاری برای وضوح، دقت، عدم ابهام، و اثربخشی عمل می‌کنند. با دقت و بدون ابهام، زمان پایان قانون را بیان می‌کنند. آن‌ها یکی از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین پیام‌های نظارتی، یعنی پایان سریع قانون را منتقل می‌کنند که به کاربران اجازه می‌دهد تا امور خود را بر اساس آن سازماندهی کنند. بنابراین، در خدمت قطعیت حقوقی و در نتیجه حاکمیت قانون هستند (Xanthaki, 2020: 9).

۳.۴. بهبود اثربخشی مدیریت دولتی

بندهای غروب در ابتدا به عنوان درمان همه بیماری‌های دولت ناکارآمد توصیف می‌شدند. نارضایتی عمومی از عملکرد دولت و رشد بی‌رویه سازمان‌های اداری باعث تصویب بندهای خاتمه بود (Ranchordás, 2014: 59). توجیه اولیه و دفاع بازیگران سیاسی از بندهای خاتمه این است که فرایند غروب و خاتمه باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها، و مدرن و به‌روز نگه داشتن دولت می‌شود (Baugus et al., 2017: 4). بندهای خاتمه نقش مهمی در جنبش اصلاحات نظارتی و بوروکراسی در حال گسترش ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۷۰ ایفا کرد (Gersen, 2007: 259). این قوانین به دنبال ایجاد مقررات مؤثرتر و کارآمدتر با خاتمه دادن به آژانس‌ها و مقررات غیرضروری پس از نظارت دوره‌ای بودند (Ip, 2013: 3). در هلند نیز، در دهه ۱۹۸۰، بندهای خاتمه به منظور کنترل و محدود کردن اختیارات آژانس‌ها، حل مشکلات اجرایی، کنترل هزینه‌های عمومی، و افزایش پاسخگویی سیاسی به تصویب رسید (Ranchordás, 2014: 21 & 24).

ماهیت کوتاه‌مدت، گام به گام، و اطلاعات محور قانونگذاری موقت پیش فرض می‌گیرد که با آزمایش‌های مدیریت دولتی تعامل داشته باشد، قانونگذاری بهتر و مقررات مؤثرتری را ممکن می‌سازد. علاوه بر این، اجرای قوانین موقت می‌تواند در ارزیابی ریسک‌های اصلی سیاست جدید مفید باشد. در این زمینه هشدار در مورد تاریخ انقضا می‌تواند به عنوان یک ابزار پیشگیرانه برای ارزیابی پیامدهای یک رویکرد جدید و شناسایی خطرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و غیره مورد استفاده قرار گیرد (Shulima, 2021: 118).

۴.۴. پاسخ به مشکلات موقتی

قانونی که به یک نیاز کوتاه‌مدت پاسخ می‌دهد، مستلزم تاریخ پایان است (Xanthaki, 2020: 7). اگرچه ایده دوام به طور سنتی با قانونگذاری مرتبط است، پدیده‌های موقتی مانند جنگ‌ها، بحران‌های اقتصادی، یا شرایط فوق العاده همیشه نیازمند اقدامات قانونی موقت بوده‌اند (Ranchordás, 2014: 62). قانونگذاری موقت اغلب به عنوان ابزاری خارق العاده و یا ضروری برای مشکلاتی در نظر گرفته می‌شود، که قانونگذاری دائمی قادر به حل آن نیست. برای نشان دادن واکنش سریع قوه مقننه به فجایع یا بی‌ثباتی سیاسی با اقدامات غیرعادی اما موقتی (مثلاً قوانین منع آلوده شدن) است که نمی‌توان منتظر پایان فرایند قانونگذاری بوروکراتیک بود (Ranchordás, 2014: 18). در وضعیت اضطراری یا استثنایی دولت با تهدید شدیدی مواجه می‌شود و به این تهدید با اقداماتی پاسخ می‌دهد که به هیچ وجه در زمان عادی قابل توجیه نیستند و در واقع اصول خود را برای حفظ خود نقض می‌کند (Scheppele, 2004:).

1004). معمولاً وضعیت‌های اضطراری یک ویژگی مشترک دارند، به شرایطی می‌پردازند که ماهیت آن‌ها مستلزم واکنش سریع دولت و ساختاربندی مجدد کارکردهای دولت به‌منظور کاهش اثر منفی مسائل به‌وجودآمده بر دولت و شهروندان، و واکنش مؤثرتر، بهتر و سریع‌تر است (شجاعیان، ۱۳۹۸: ۴۲۵). در این صورت، ممکن است به مقامات دولتی اجازه داده شود که از نظم قانون اساسی خارج شوند و اقدامات فراقانونی را برای محافظت از ملت اتخاذ کنند. در مواقع بحران، ممکن است تنش میان ارزش‌های دموکراتیک و واکنش به شرایط اضطراری وجود داشته باشد. غالباً این تنش با ارائه یک بند خاتمه در مقررات اضطراری حل می‌شود. قوانین موقت هنوز به‌عنوان واکنشی به شرایط اضطراری اجتماعی یا سیاسی و یا تهدیدات تروریستی و بحران اقتصادی استفاده می‌شوند (Ranchordás, 2014: 62). استفاده از بندهای خاتمه برای تسهیل انعطاف‌پذیری لازم برای پاسخگویی به شرایط اضطراری است و در عین حال از عادی‌سازی اقدامات استثنایی جلوگیری می‌کند و از طریق فرایندهای بازنگری، مشورت و پاسخگویی دموکراتیک را مجدداً تزریق می‌کند (Molly, 2021: 150). بندهای خاتمه و فرایندهای بازنگری مرتبط با آن‌ها مدت اختیارات فوق‌العاده را محدود و گفت‌وگوی مکرر بین قوه مجریه و پارلمان را تضمین می‌کند. همچنین نظارت و پاسخگویی دموکراتیک را با ارائه فرصت‌های دوره‌ای به قانونگذار برای بررسی مجدد مسائل با اطلاعات اضافی یا تجربیات لازم برای تنظیم مجدد خط‌مشی عمومی ارتقا می‌دهند. آن‌ها همچنین برای پل زدن بر بن‌بست‌های سیاسی بسیار مهم هستند (Molly, 2021: 162-163). درواقع برای محافظت در برابر هراس قانونی به کار می‌آیند؛ منظور قانونگذاری در وضعیتی است که با هراس، ترس، و احساس فوریت شدید مشخص می‌شود. این توصیف مناسبی از شرایط پس از یک حمله تروریستی است که اغلب قوانین مبارزه با تروریسم وضع می‌شود. هراس قانونگذاری دو جنبه دارد؛ اولین مورد از آسیب‌شناسی خاص فرایند سیاسی در شرایط اضطراری ناشی می‌شود، که برای اطمینان بخشیدن به یک جامعه هراسان، باید به سرعت کاری انجام شود، جنبه دوم ناشی از مشکلات شناختی است که هنگام قانونگذاری در موقعیت ترس و فوریت به وجود می‌آید. ترس به طرق مختلف تصمیم‌گیری انسان را مخدوش می‌کند. مجوزهای استفاده از اختیارات اضطراری همیشه با تاریخ پایان همراه است؛ آن‌ها گسست از شرایط عادی مندرج در قانون اساسی هستند و فقط برای یک دوره زمانی معین و کوتاه قابل تحمل هستند (Xanthaki, 2020: 7). قوانین اضطراری اغلب از استانداردها یا شیوه‌های رایج و قابل اجرا منحرف می‌شود و نگرانی‌هایی را در مورد تأثیر آن، به‌ویژه بر فرایندهای دموکراتیک و حقوق اساسی ایجاد می‌کند (Molloy et al., 2022: 6). در مواقع بحران، اغلب قوانین کمتر مدنظر قرار می‌گیرد. قوانین کمتر ممکن است به معنای تصمیم‌گیری سریع‌تر، و واکنش‌های مؤثرتر به تهدیدات علیه امنیت ملی، حمایت مالی از بخش‌های اقتصادی نیازمند، و بوروکراسی کمتر باشد (Kouroutakis & Ranchordás, 2016: 30). در این شرایط برای تضمین این

خاتمه، از بندهای غروب استفاده می‌شود تا چارچوب‌های قانونی را قادر به هماهنگی با وضعیت فعلی کند (Kouroutakis & Ranchordás, 2016: 48). رابطه لازم بین قانون و زمان باید تعادل بین تداوم، تکامل، و گسست را منعکس کند. این کار به‌ویژه در مواقع بحران تشدید می‌شود، زیرا پدیده‌های موقتی مانند جنگ، بی‌ثباتی اقتصادی، یا تحولات سیاسی معمولاً به اقدامات قانونی موقت و استثنایی نیاز دارند (Kouroutakis & Ranchordás, 2016: 50 & Ip, 2013: 9-11) با تغییر موقعیت پیش‌فرض قوانین از دائمی به موقت، بندهای غروب به غلبه بر اینرسی قانونی کمک می‌کنند و به‌طور مؤثر به قانونگذار اجازه می‌دهند کاری را انجام دهد. در این دیدگاه، قانونگذار با الحاق بند خاتمه به یک ماده یا قانون خاص، آن را به‌عنوان انحراف موقت از هنجار مشخص می‌کند که به‌طور پیش‌فرض، پس از مدتی معین منقضی می‌شود. بندهای خاتمه سلاح اصلی قانونگذار است، برای اطمینان از اینکه استثنای اضطراری به قاعده تبدیل نمی‌شوند (Ip, 2013: 9). بندهای غروب ابزاری است برای به تعویق انداختن بحث بیشتر در شرایط اضطراری به محیط قانونگذاری آبی و آرام‌تر. این امر ضرورت سیاسی اقدام فوری را با این احتمال که قانون یک واکنش افراطی ناشی از وحشت و فوریت باشد، آشتی می‌دهد (Ip, 2013: 13). قانونگذاری موقت یک انحراف از هنجار، بدون تغییر هنجار کلی و کل سیستم حقوقی است. هدف آن در اینجا جلوگیری از عادی شدن ترتیبات استثنایی است. مفهومی نمادین، براساس این تصور که تصویب آن به‌عنوان قانون موقت، آن را صرفاً به‌عنوان یک انحراف موقت از هنجار نشان می‌دهد (Bar-Siman-Tov & Harari-Heit, 2019: 10-11).

۴.۵. عمل به عنوان اجماع‌دهنده

قانونگذاری نتیجه سازش بین احزاب سیاسی است؛ اما سازش، آسان به دست نمی‌آید (Ranchordás, 2014: 66). قوانین موقت فضای بیشتری را برای توافق‌های سیاسی و دستیابی به اجماع اجتماعی یا سیاسی ایجاد می‌کنند. اگر تضمینی وجود داشته باشد که وضعیت موجود قبلی پس از انقضای قانون یا شکست آزمایش بازمی‌گردد، ممکن است مخالفان قانون تمایل بیشتری به تصویب آن داشته باشند. تصویب مقررات موقت، احتمال حمایت مخالفان سیاسی از قوانین جدید را به‌دلیل وعده ارزیابی یا تجدیدنظر در آینده افزایش می‌دهد. پذیرفتن موقتی بودن قانون و تعهد به بررسی مجدد مسائل در زمانی بعد، اغلب برای کاهش واکنش‌ها و دستیابی به مصالحه و توافق حتی در خصوص موضوعات بسیار سیاسی یا بحث‌برانگیز مانند قانون تروریسم کافی بوده است (Molloy et al., 2022: 7-8). بنابراین برخی قوانین موقت را به‌عنوان وسیله‌ای برای غلبه بر مقاومت در برابر یک لایحه و کاهش هزینه‌های تصویب تصور کرده‌اند (Bar-Siman-Tov & Harari-Heit, 2019: 16).

۴.۶. تسهیل مقررات مربوط به نوآوری

بندهای غروب در ابتدا برای اطمینان از اینکه قوانین از تکامل جامعه عقب نمی‌مانند استفاده می‌شد. امروزه، آن‌ها هنوز هم این عملکردها را انجام می‌دهند (Ranchordás, 2014: 76). قانونگذاران هنوز از تسلط بر هنر تنظیم فناوری‌های نوظهور و به‌طور کلی نوآوری دور هستند. در زمینه‌های بسیار نوآورانه، کمبود اطلاعات، تغییرات سریع، نبود اطمینان، و خطراتی وجود دارد. اطلاعات مورد نیاز هنوز تولید یا افشا نشده است، بخشی از آن نیز به دلیل تغییرات سریع فناوری و جامعه، کهنه شده است. از یک سو، فناوری به دلیل ظهور اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، و حمل‌ونقل سریع‌تر، جامعه را تغییر داده و شتاب بخشیده است. بنابراین، قانون باید با این شتاب همگام شود تا مشکلات اجتماعی در حال ظهور را حل، خطرات ناشی از آن را کنترل، و از فرصت‌های ایجادشده توسط توسعه فناوری محافظت کند. سرعت اتفاق نوآوری‌های اجتماعی و فناوری، مستلزم اقدامات قانونی مکرر، به‌روز، انعطاف‌پذیر، و اغلب گذرا است. روش‌ها و ابزارهای سنتی قانونگذار کافی نیست: آن‌ها اغلب کند، پرهزینه، و زمان‌بر هستند (Ranchordás, 2014: 69). در بخش‌هایی مانند اخلاق زیستی، ژنتیک، یا هوش مصنوعی، تکامل سریع علم و فناوری اطمینان کمی برای تنظیم قطعی مسائل حقوقی ارائه می‌دهد و یا نگرانی‌های مهمی را با توجه به آثار نامطلوب احتمالی گزینه‌های نظارتی ایجاد می‌کند. در عین حال، داده‌ها یا شواهد کافی برای تصمیم‌گیری در مورد بهترین مسیر قانونی ممکن در دسترس نیست (Molloy et al., 2022: 7). فرایند نوآوری با ویژگی‌هایی مانند عدم قطعیت، تنوع، و پیچیدگی نهادی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، نتایج فرایند نوآوری قابل پیش‌بینی نیست. ظهور ایده‌های جدید و بهتر زمانی می‌تواند پیشرفت کند که از عوامل با پیشینه‌های مختلف خواسته شود که با هم کار کنند یا از ابزارها و مشوق‌های متفاوت استفاده شود (Ranchordás, 2015: 209). هر دو قانون موقت راه‌حل‌های سریع و موقتی را برای نوآوری ارائه می‌دهند؛ زیرا بندهای خاتمه و قوانین آزمایشی این امکان را دارند که راحت‌تر از قوانین دائمی اجماع ایجاد کنند و فضای بیشتری را برای معامله سیاسی به وجود می‌آورد. مخالفان مقررات جدید در مورد موضوعات مبتکرانه یا بحث‌برانگیز، ممکن است تمایل بیشتری به تصویب آن‌ها داشته باشند، در صورتی که این مقررات موقتی باشند و تضمینی وجود دارد که وضعیت قبلی موجود پس از مدت مشخص یا در صورت شکست آزمایش، بازخواهد گشت (Ranchordás, 2015: 217). قانون موقت تضمین می‌کند که مقررات مربوطه به‌طور مکرر برای همراهی با پیشرفت‌های فناوری و همچنین نوآوری‌های مخرب با پایان دادن به مقرراتی که دیگر واقعیت را منعکس نمی‌کنند و نوآوری را خفه می‌کنند، بازبینی شوند. بندهای غروب می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ایجاد یک محیط نوآورانه دوستانه کمک کنند؛ زیرا می‌توانند موانع نظارتی منسوخ برای توسعه فناوری را از بین ببرند. مشوق‌های غیرمستقیم را ارائه و

بار نظارتی تحمیل شده بر کارآفرینان را کاهش می‌دهند و به آن‌ها اجازه می‌دهند تلاش‌ها را از انطباق با مقررات گذشته به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه تغییر دهند (Ranchordás, 2015: 219).

پایان دادن به مقررات با استفاده از بندهای غروب می‌تواند تضمین کند که قوانین با تغییرات تکنولوژی و جامعه مطابقت دارند. زمانی که اطلاعات کمی در مورد موضوعی که باید تنظیم شود، وجود دارد یا نتایج مقررات نامشخص است، با آزمایش و تطبیق مقررات با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، قانونگذاران می‌توانند به طور مؤثر به خواسته‌ها و ویژگی‌های نوآوری پاسخ دهند. مقررات آزمایشی با عدم قطعیت ذاتی نوآوری سازگار هستند و به این چالش پاسخ می‌دهند زیرا آن‌ها قوانین موقتی هستند که می‌توانند در بخشی از قلمرو قبل از تعمیم به کل کشور آزمایش شوند. قانونگذاری آزمایشی در اینجا به‌عنوان مصالحه‌ای میان قانونگذاری نکردن یا تأخیر در روند قانونگذاری یا نظارتی به دلیل کمبود اطلاعات و قانونگذاری در تاریکی ظاهر می‌شود (Ranchordás, 2014: 70). قانونگذاری موقت به‌عنوان یک مکانیسم پویا برای تنظیم حوزه‌های پویا است و به مسائل یا حوزه‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها پیشرفت‌هایی (مانند پیشرفت‌های تکنولوژیکی) هنوز انتظار می‌رود و بنابراین ایجاد قانون دائمی توصیه نمی‌شود. ترجیحاً بهتر است مکانیزمی انعطاف‌پذیر تنظیم شود (Bar-Siman-Tov & Harari, 2019: 14). بندهای خاتمه اجازه انطباق قوانین با تغییر شرایط اجتماعی فناوری و تعیین انقضای اقدامات غیرضروری را می‌دهد؛ آن‌ها به جلوگیری از مقررات بیش‌ازحد و تحمیل بار غیرضروری بر صنعت کمک می‌کنند (Ranchordás, 2015: 205). وقتی در مورد تأثیرات یک قانون مربوط به محصول نوآورانه اطمینان وجود ندارد، مقررات آزمایشی می‌تواند جایگزینی برای رویکرد احتیاطی باشد که مجوز محصول را به دلیل خطرات تخمینی آن به تعویق می‌اندازد یا ممنوع می‌کند. به‌جای کاهش سرعت فناوری و علم، مقررات آزمایشی با بهره‌مندی از شک و تردید به نوآوران و آزمایش قوانین جدید، سرعت نوآوری را افزایش می‌دهند. بندهای غروب و مقررات آزمایشی به نوآوری به‌عنوان یک پدیده دارای پیچیدگی می‌پردازند. همچنین اجازه می‌دهند تا بین مزیت معرفی سریع‌تر یک محصول جدید به بازار و نیاز به تنظیم خطرات آن برای سلامت عمومی، محیط زیست یا ایمنی تعادل برقرار شود. مقررات آزمایشی نباید اجازه دهند که یک محصول ناایمن یا آزمایش نشده به سرعت مجاز شود. آن‌ها را می‌توان در سناریوهایی استفاده کرد که برای مثال، آزمایش‌های بالینی نشان داده‌اند که یک محصول ایمن است، اما مشخص نیست که چگونه یک خدمت یا محصول نوآورانه باید تنظیم شود یا جایی که نگرانی‌های اخلاقی یا اختلاف نظر سیاسی ممکن است مانع از تصویب مقررات جدید شود. استفاده از مقررات آزمایشی همچنین مقررات‌گذاران را قادر می‌سازد تا با ترکیب حقایق جدیدی که جمع‌آوری شده‌اند، قوانین را تطبیق داده و به‌روز کنند، و ویژگی‌های علمی قوی‌تری را به مقررات اعطا کنند (Ranchordás, 2015: 207). این مقررات شرایط امنی را برای پیشبرد نوآوری، کاهش بار نظارتی،

بهبود ارتباطات بین شرکت‌ها و تنظیم‌کننده‌ها و ترویج تصمیم‌های نظارتی سریع بدون خطر برای مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کنند (Ranchordás, 2021: 11). آزمایش قوانین می‌تواند به‌ویژه برای آزمایش مقررات جدید در مقیاس کوچک، جمع‌آوری حقایق بیشتر در مورد واکنش بازار به یک محصول نوآورانه و بهبود مقررات با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات بیشتر مفید باشد (Ranchordás, 2015: 201). بندهای خاتمه امکان تعدیل مقررات را با شرایط اجتماعی یا تکنولوژیکی در حال تغییر و تعیین انقضای اقدامات غیرضروری را فراهم می‌کند.

۵. نقد

قانونگذاری موقت می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای افزایش اثربخشی قانونگذاری و درنهایت کارایی نظارتی عمل کند (Xanthaki, 2020: 17)؛ اما در اکثر کشورها به دلایل حقوقی و غیرحقوقی نگرانی وجود دارد، از آن رو که ممکن است برخی ارزش‌ها و اصول اساسی حقوقی را به خطر بیندازند. برخی معتقدند که رویکرد آزمایشی راه را برای قوانین غیرقابل پیش‌بینی و سازش غیراصولی باز می‌کند و تهدیدی برای حاکمیت قانون است (Ranchordás, 2014: 10). به گفته فرانک فاگان، کمبود علاقه پژوهشی به موضوع قانونگذاری موقت برای مدت طولانی ناشی از همین تردیدها است (Shulima, 2021: 115). برخی معتقدند که قانونگذاری موقت از منظر رویکرد سنتی حقوقی یک تناقض درونی دارد (Shulima, 2021: 116). از منظر حقوق سنتی، قانون به‌طور معمول مترادف تداوم و منبع ثبات، با قابلیت پیش‌بینی تلقی می‌شود؛ اما تصویب قوانین موقت، خارج از شرایط اضطراری، با تصور رایج از این موضوع هماهنگ نیست (Ranchordás, 2014: 10). قوانین موقت اصل پایداری، مانند قطعیت بلندمدت، مفهوم قانون را به چالش می‌کشند. در حالی که معمولاً قوانین باید طولانی‌مدت باشند، تا قابل پیش‌بینی و بدون تبعیض شوند، قوانین موقت اعتبار محدودی دارند و اغلب مستثنی از قوانین عمومی است (Shulima, 2021: 115-116). معمولاً قانون به‌عنوان منبع ثبات و سازگاری تلقی می‌شود. دستیابی به این ثبات مستلزم حصول اطمینان از توالی قوانین و محدود کردن تعداد اصلاحات در آن‌ها است. این بدان معناست که قانونگذاران باید طوری رفتار کنند که گویی در زمان تنظیم آن از همه احتمالات مطلع هستند. شهروندان باید به‌وضوح بفهمند که قانون چه تکالیفی دربردارد و چه فرصتهایی را برای احقاق حقوق خود به آن‌ها می‌دهد؛ چنین رویکردی حس قطعیت حقوقی را فراهم می‌کند. با این حال، از نظر انسجام قانون، این استدلال در واقعیت با تغییرات متعدد در مقررات قانونی امروزی تقابل دارد. برای هم‌سو بودن با حاکمیت قانون، قانونگذار با تصویب قانون موقت (به‌ویژه آزمایشی)، باید بلافاصله پس از پایان اثر موقت آن، گذار از چنین مقرراتی را پیش‌بینی و طراحی کند (Shulima, 2021: 116).

برخی افراد قوانین موقت را ناکارآمد می‌دانند و معتقدند که چنین قوانینی نگرانی‌های جدی اقتصادی-سیاسی، مشکلات استقرار، و اختلال در برنامه‌ریزی ایجاد می‌کند (Kysar, 2013: 1009). برخی دیگر استدلال می‌کنند که بندهای خاتمه تصویب قانون بد را در پارلمان ممکن می‌سازند (McGarrrity, 2013: 307). یکی از دلایل شکست بندهای خاتمه این است که پیام‌های نظارتی خود را به‌طور مؤثر منتقل نمی‌کنند؛ اینکه چه چیزی منقضی می‌شود، چه زمانی و چگونه، و همچنین الزامات اساسی که به هر تمدید پیوست می‌شود. مثلاً، در زمینه مبارزه با تروریسم، فرایندهای بازبینی و نظارت اغلب بی‌اثر بوده است، و نیز، اغلب زمان کافی برای نظارت اختصاص داده نمی‌شود (Molloy et al., 2022: 18). همچنین مسائلی در مورد مؤثرترین شکل بررسی از قبیل نهاد مسئول انجام آن و دموکراتیک بودن آن وجود دارد. اگر رویکرد نظارت پسینی پارلمان انتخاب شده باشد، ممکن است مشکلاتی در ارتباط با سیاسی شدن قانون مورد بحث وجود داشته باشد (Molloy et al., 2022: 19). همچنین گفته شده است که از بندهای خاتمه برای اجماع درباره قوانین بحث‌برانگیز و اغلب اضطراری سوءاستفاده شده است. فضیلت کسب اجماع که به بندهای خاتمه نسبت داده می‌شود، غالباً به یک ردیلت تبدیل می‌شود و بندهای خاتمه از ابزار دولت بهتر به یک تله سیاسی هوشمندانه تبدیل شده‌اند. بنابراین بندهای خاتمه به راحتی به عنوان بهانه سیاسی مناسب برای کوتاه کردن بحث‌های اولیه پارلمانی درباره قوانین بحث‌برانگیز و به تأخیر انداختن بحث‌های اساسی استفاده می‌شوند. به نظر می‌رسد یک سوگیری نهادی به نفع وضعیت موجود وجود دارد؛ توافق برای تغییر یک سیاست لازم است، اما هیچ توافقی برای حفظ آن لازم نیست (Kouroutakis & Ranchordás, 2016: 71-72; Molly, 2021: 163). بندهای خاتمه، قوانین را از مزایای بلندمدت پیش‌بینی‌شده محروم می‌کند و فرصت‌هایی را برای چانه‌زنی نامطلوب ایجاد می‌کند (Underhill, 2020: 111).

انتقاد بعدی این است که با وجود بندهای خاتمه، قوانین اضطراری می‌توانند مدت‌ها پس از تاریخ خاتمه پیشنهادی معتبر بمانند. بخشی از منطق قوانین موقت این است که درخصوص عادی نشدن اختیارات اضطراری اطمینان حاصل شود؛ اما از آنجایی که اکثر بندهای خاتمه تمدید بعدی را مجاز می‌کنند، هیچ تضمینی وجود ندارد که قانون مورد بحث خاتمه یابد (Molly, 2021: 163).

اما دو مانع بر سر راه آزمایش مؤثر سیاست وجود دارد. اولی این واقعیت است که قانون می‌تواند در برابر تغییر مقاوم باشد. اگر قوانین به راحتی اصلاح نشوند، آزمایش سیاست سودی نخواهد داشت. همچنین اگر قانونگذاران انگیزه مناسبی برای اعمال داده‌های آزمایشی به منظور وضع قوانین بهتر نداشته باشند، باز هم فایده‌ای حاصل نخواهد شد. یعنی تا زمانی که فرایند قانونگذاری ظرفیت یادگیری نداشته باشد، آزمایش سیاست‌گذاری مؤثر نمی‌تواند انجام شود (Gubler, 2015: 9).

انتقادات و چالش‌های ذکرشده تأیید می‌کند که بندهای غروب نوش‌دارویی نیستند که بتوانند چالش‌های متعدد مرتبط با قانونگذاری و سیاست‌هایی را که شکل قانونی به آن می‌دهند، درمان کند. آن‌ها همچنین تأیید می‌کنند که بندهای غروب می‌توانند قطعیت حقوقی و مشورت دموکراتیک را کاهش دهند، در صورتی که دو شرط مهم را رعایت نکنند: استاندارد بالای طراحی و پیش‌نویس، و چارچوبی اساسی برای بررسی و نظارت (Molloy et al., 2022: 20).

۶. نتیجه

قانون موقت نوعی تقنین است که قانونگذار بنا به دلایلی از دوام آن چشم‌پوشی کرده است. در نظام‌های حقوقی مختلف برای این کار دلایلی ذکر شده است؛ از جمله اینکه در زمان تصویب قانون خاص با وجود ضرورت تصویب آن، اختلاف نظر میان گروه‌های مختلف وجود دارد و امکان دستیابی به توافق وجود ندارد، یا اینکه اطلاعات کافی درخصوص آثار قانون وجود ندارد، یا مسئله مورد بحث موقت بوده و مدیریت آن با قانون موقت ممکن است. موضوع مورد تقنین از حوزه‌های جدید و نوآورانه و به‌شدت در حال تحول است، پس قانون تنظیم‌کننده باید در دوره‌های زمانی مشخص تغییر و تکامل یابد. موضوع مرتبط دیگر اختیارات اضطراری برای رفع شرایط اضطراری است که هم لازم هستند و هم احتمال تعرض به حقوق مردم به بهانه مدیریت بحران وجود دارد؛ بنابراین لازم است که زمانی برای این اختیارات، تعیین شود و بیش از مقدار ضرورت، تمدید نشوند. با وجود کارکردهای مذکور، قانون موقت مورد نقدهایی قرار گرفته است و با توجه به این ایرادات نظام‌های مختلف حقوقی اصل را بر تصویب قانون عادی، بدون زمان مشخص، گذاشته‌اند، و قانون موقت را در موارد خاص به کار می‌گیرند. برای اینکه از آسیب‌های قانون موقت کاسته شود، لازم است تمهیداتی در زمان تدوین و در خصوص نظارت و ارزیابی آن پس از اجرا، به کار گرفته شود. مسئله مهم در مرحله تدوین قانون وضوح و قطعیت آن پیرامون موضوع انقضا، زمان انقضا، موضوع و زمان ارزیابی، مراجع ذی‌صلاح، و فرایندهای مورد نیاز است. زمان مشخص شده برای انقضا می‌تواند برای کل قانون یا مقررات یا فقط بخشی از آن‌ها اعمال شود، در این صورت این موارد باید با دقت تعیین شوند. ارجاع به بخش‌هایی که منقضی می‌شوند باید تا حد امکان ساده باشد. در تعیین تاریخ انقضا، باید عوامل چندگانه‌ای در نظر گرفته شود؛ مانند ماهیت مقررات، زمان لازم برای جمع‌آوری مدارک کافی، و فرایندهایی که از طریق آن این شواهد تولید یا جمع‌آوری شوند. دومین مسئله مهم این است که انقضا اغلب منوط به بازبینی و نظارت است. برای تعیین اینکه آیا مصوبه مذکور باید تمدید، اصلاح یا خاتمه داده شود، یک چارچوب ارزیابی و بررسی دقیق و معنادار باید با وضوح و دقت الزام صریح برای بازبینی را تعیین کند و موضوع بررسی، زمان آن، مرجع

صالح برای انجام بررسی، و روش مورد نیاز را تعیین کند. آن‌ها می‌توانند به‌گونه‌ای تنظیم شوند که قانونگذار آینده را ملزم به انجام اقدامات اساسی‌تر، مانند تصویب قوانین جدید به‌منظور جلوگیری از وقوع انقضا کنند. این امر گزینه‌های قانونگذار را محدود به انتخاب بین پذیرش یا رد کامل نمی‌کند. فقدان مشخصات نظارت و ارزیابی ممکن است به بررسی سطحی بینجامد. زمان بررسی موضوع مهمی است. معیارهایی که برای تجویز دوره بازنگری معقول باید در نظر گرفته شوند، محتوای قانون، زمان معقول برای انتظار نتایج یا زمانی است که داده‌های اجرایی معنی‌دار در دسترس خواهد بود. زمان ارزیابی با توجه به پیچیدگی‌های هر مصوبه تنظیم شود.

منابع

۱. فارسی

۱. شجاعیان، خدیجه (۱۳۹۸)، ابعاد حقوقی وضعیت اضطراری در پرتو قوانین اساسی نظام‌های حقوقی مختلف، در مجموعه مقالات حقوق عمومی/از تنظیم قدرت تا تضمین حق‌ها، ویراستار محمد جلالی. تهران: خانه اندیشمندان علوم انسانی، ۴۲۱ - ۴۴۴.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ranchordás, S. (2014). *Constitutional Sunsets and Experimental Legislation*. Cheltenham: Edward Elgar
2. Xanthaki, H. (2020). *Sunset clauses: a contribution to legislative quality*. In *Time, Law, and Change An Interdisciplinary Study*. Edited by Ranchordás, S. & Roznai, Y., Oxford: Hart, 209-226.
3. Xanthaki, H. (2019). *Misconceptions in Legislative Quality: An Enlightened Approach to the Drafting of Legislation, in Conceptions and Misconceptions of Legislation*. Edited by A. Daniel Oliver-Lalana, Berlin: Springer, 23-49.

B) Articles

4. Bar-Siman-Tov, I. (2018). Temporary Legislation, Better Regulation and Experimentalist Governance: An Empirical Study. *Bar Ilan University Faculty of Law Research Paper*, No. 18-13, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2807564>.
5. Bar-Siman-Tov, I., & Harari-Heit, G. (2019). The Legisprudential and Political Functions of Temporary Legislation. *Bar Ilan University Faculty of Law Research Paper*. (19-12), <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3394420>.
6. Baugus, B., Bose, F., & Jacob, J. (2017). Do part-time legislatures use sunset laws to keep executive agencies in check. Available from: https://www.researchgate.net/publication/319991739_Get_in_line_Do_parttime_legislatures_use_sunset_laws_to_keep_executive_agencies_in_check [accessed Apr 22 2025].
7. Baugus, B., & Bose, F. (2015). Sunset Legislation in the States: Balancing the Legislature and the Executive. *Mercatus Research*,

- http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3211623.
8. Fagan, F. (2013). After the sunset: the residual effect of temporary legislation. *Eur J Law Econ* 36: 209–226, DOI 10.1007/s10657-011-9219-x.
9. Gersen, J. E. (2007). Temporary Legislation. *University of Chicago Law Review*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=911603>.
10. Gubler, Z. J. (2013). Experimental Rules. *Boston College Law Review*, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2210101>.
11. Gubler, Z. J. (2015). Making Experimental Rules Work. *Administrative Law Review*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2600640>.
12. Ip, J. (2013). Sunset Clauses and Counterterrorism Legislation. *Public Law*, 74, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1853945>.
13. Kouroutakis, A. E., & Ranchordas, S. (2016). Snoozing Democracy: Sunset Clauses, De-Juridification, and Emergencies. *Minnesota Journal of International Law*, 25, Available at: <https://scholarship.law.umn.edu/mjil/264>
14. Kysar, R. M. (2006). The Sun Also Rises: The Political Economy Of Sunset Provisions In The Tax Code, *Georgia Law Review*, 40 (2). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=887388>.
15. Kysar, R. M. (2013). Lasting Legislation. *Brooklyn Law School, Legal Studies Paper*, No. 217, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1757883>
16. Mader, L. (2001). evaluating the effects: a contribution to the quality of legislation, *statute law review*, 22 (2). 119–131. <https://doi.org/10.1093/slr/22.2.119>.
17. McGarrity, N., Gulati, R., & Williams, G. (2013). Sunset Clauses in Australian Anti-Terror Laws *Adelaide Law Review*, (33), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2213234>.
18. Molly, S. (2021). Approach with Caution Sunset Clauses as Safeguards of Democracy?, *European Journal of Law Reform*, 23 (2). doi: 10.5553/EJLR/138723702021023002001.
19. Molloy, S., Mousmouti, M., & De Vrieze, F. (2022). Sunset clauses and post-legislative scrutiny: bridging the gap between potential and reality. *The PLS series*, (3).
20. Ranchordás, S. (2021). Experimental Regulations and Regulatory Sandboxes: Law without Order?. *University of Groningen Faculty of Law Research Paper*, (10/2021), <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3934075>
21. Ranchordás, S. (2015). Innovation-Friendly Regulation: The Sunset of Regulation, the Sunrise of Innovation, *Jurimetrics*, 55 (2). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2544291>
22. Scheppele, K. L. (2004). Law in a Time of Emergency: States of Exception and the Temptations of 9/11. *Constitutional Law*, 6(5), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=611884>.
23. Shulima, A. (2021). Temporary Legislation: Theoretical and Practical Aspects, *Krakowskie Studia Małopolskie*, 29 (1): 112-131, DOI: 10.15804/ksm20210109.
24. Underhill, K., & Ayres, I. (2020). Sunsets Are for Suckers: An Experimental Test of Sunset Clauses. *Columbia Law and Economics Working Paper*, (651), <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3518487>.

C) Electronic Source

25. Jefferson, T., Letter to James Madison, 6 September 1789, The Federalist Papers, available at www.thefederalistpapers.org/founders/jefferson/thomas-jefferson-september-6-1789

References In Persian:

1. Shojaeian, K. (2019), Legal Aspects of the State of Emergency in the Light of the Constitutions of Different Legal Systems, in *From the Regulation of Power to the Guarantee of Rights*. Edited by Mohammad Jalali. Tehran: House of Humanities Thinkers, 421-444 (In Persian).

مقاله آماده انتشار